

موعظه خوان



«امام خامنه‌ای (مدظله العالی):»

مقصود نهایی انسان چیست؟ تکامل و رسیدن به لقاء الله؛ یعنی کمال مطلق انسانی، انسان‌ها برای این باید عمل بکنند.

«آیت الله حق شناس (رحمت الله علیه):»



یک روایتی است که حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌فرمایند: «من اصعد الی الله خالص عبادته اهبط الله عزوجل له افضل مصلحته» (بحار الانوار/ ۲۴۹/۷۰) اگر شما اعمال خودتان را خالصانه به پروردگار عرضه کنید، پروردگار هم مصالح شما را به شما تحویل خواهد داد. آیا من عمل خالص به پروردگار تحویل داده‌ام، تا پروردگار هم مصالح مرا مشخص کند؟ فقط کلمات پاک و خالص به سوی پروردگار می‌رود. «الیه یصعد الکلم الطیب» (فاطر/ ۱۰) ما فقط مدام اعتراض می‌کنیم که چرا پروردگار مصلحت ما را نمی‌دهد!

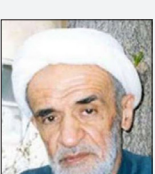
«حاج آقا دولابی (رحمت الله علیه):»

به برادران و خواهران مومن حسن ظن داشته باش. تا جایی که بدی از آنها نبینی. و اگر چیزی دیدی که در ذهنت خطور بدی کرد. حمل به صحت کن تا جایی که گویی اصلاً چنان چیزی از او ندیده‌ای. اگر توانستی لا اقل به خودت بگو. این یک بدی است و در برابر؛ چقدر خوبی دارد که من از آن خبر ندارم. اگر چنین کردی خدا هم با تو همین طور رفتار می‌کند.

کتاب شهید محبت ص ۸۰



«شیخ حسنعلی نخودکی (رحمت الله علیه):»



در اصول کافی آمده است که داود بن کثیر از حضرت صادق علیه السلام پرسید: سلام بر پیغمبر چه معنی دارد؟ امام علیه السلام فرمود: خداوند متعال نور پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر ائمه را خلق کرد و سپس شیعیان آنان را بیافرید و از ایشان بر ربوبیت خود و نبوت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و ولایت علی (علیه السلام) و سایر ائمه علیهم السلام پیمان گرفت و نسبت به کسانی که از اوامر او پیروی نکنند وعده پاداش خیر داد. و آنگاه امام (علیه السلام) به این آیه کریمه استشهاد فرمود که: (یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعکم ثقلحون) و ضمن توضیحاتی در این زمینه، فرمود: اکنون که به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عرض سلام می‌کنی، به منزله تجدید آن عهد و تذکر آن پیمان و تقاضای تجلیل در آن وعده الهی است. سایت معاونت تهذیب حوزه های علمیه هر آفرخته، ص ۱۶۰، به نقل از: آیت الله علی سعادت پرور

«میرزا جواد آقا ملکی تبریزی:»

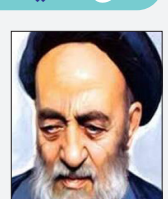


مرحوم میرزا عبدالله شالچی تبریزی می‌فرمایند: مرحوم استاد حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی که هم مجتهد در فقه بود و رساله عملیه داشت و هم در معارف اسلامی صاحب نظر، دستوراتی می‌دادند که انسان در خوردن، خوابیدن، نشستن، صحبت و عمل کردن چگونه رفتار کند. یکی از دستورات ایشان این بود که: انسان نباید معصیت کند. خوش سلیقگی را ببینید آقا! این عالمی است که خوش سلیقه است و پیروانش را به راه راست هدایت می‌کند. اولین دستوری که می‌دهد این است که انسان نباید معصیت کند. می‌فرمود: انسان در خوردن نباید به قدری نخورد که ضعف پیدا کند و نه به قدری بخورد که کسل شود و از اطاعت باز بماند. ایشان به شب خیزی خیلی اهمیت می‌داد.

«آیت الله شاه آبادی (رحمت الله علیه):»

در نوافل شب، به مقام شامخ حضرت زهرا (سلام الله علیها) توجه کنید و بدانید که استمداد گرفتن از آن حضرت، موجب ترقی و قرب معنوی می‌شود و خداشناسی انسان را زیاد می‌کند. همچنین قبل از اذان صبح، صلوات حضرت زهرا (سلام الله علیها) را بفرستید. پایگاه اطلاع رسانی حوزه

«آیت الله طباطبایی (مدظله العالی):»



شخصی از آیت الله طباطبایی پرسید: «این دعاهای عربی را که عامه مردم بخوانند، نمی‌فهمند؛ آیا خواندن همان الفاظ آن دعاهای بی آنکه معانی آن را بدانند - اثری دارد؟» جناب علامه طباطبایی فرمودند: اتفاقاً آن دعاهای برای عامه مردم که زبان عربی و معانی آن‌ها را نمی‌دانند بهتر مستجاب می‌شود! زیرا نفس خود را به نفس امامان (علیهم السلام) متصل می‌کنند و از خدا می‌خواهند هر چه امامان با خواندن این دعاهای می‌خواستند، به آنان هم بدهد اما ما به اندازه فهم خودمان از آن دعاهای، از خدا می‌خواهیم!

آیت الله جوادی آملی:

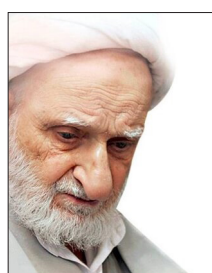
عمل وقتی خالص است که منظور انسان این نباشد که کسی از او تعریف کند. حیف است انسان عمل عبادی خالص انجام بدهد، آنگاه از دیگران توقع تشکر داشته باشد. حیف است که انسان آن مقام عظیم و بلند را با این توقع پست تنزل دهد. انسان ممکن است در جبهه ها شرکت کند و کشته هم بشود، ولی کشته شدن خیلی سخت نیست، «اخلاص العمل لله» سخت است. رام کردن دیو نفس شیطان درون سخت است. از کتاب «حکمت عبادات»



اگر کسی استعداد دارد، وقتش را به موبایل بگذرانند به فضای مجازی بگذرانند به روزنامه بگذرانند به این و آن بگذرانند و این معارف بلندی که در قرآن و نهج البلاغه و صحیفه است که حرف های آسمانی است اینها را یاد نگیرد، این شخص عمرش را تلف کرده است»

درس تفسیر ۱۳۹۶/۷/۳۰

حضرت آیت الله بهجت (قدس سره):



اگر عمل نکردی و می خواهی همش بشنوی، بشنوی و بشنوی، کی عمل می کنی؟! بعد از اینکه پرده برداشته شد آن وقت می خواهی عمل بکنی، پس باید بدانیم اگر نصایح را زیر پا گذاشتیم، نصیحت حالا و موعظه حالا را هم زیر پا می گذاریم. و اگر زیر پا گذاشتیم، خاطر جمع باشیم، خبری نیست. به سوی محبوب، ص ۹۲

حاج آقاقرهی:



اگر نیت برای خدا بود، در خلوت خدا می شوی، بین مردمی خدا می شوی؛ چون خدایی هستی، کسی را نمی بینی. بگو: خدا! می خواهم همه چیز برای تو باشد. نیت کن و در این نیت ثابت قدم باش، ببین به کجا میرسی. نیت کن دائم بالا بروی، بالا نه از باب مقام ظاهری، بلکه آن مقام حقیقی انسانی.

اول مرجع دین، شیخنا الأعظم، حضرت شیخ مفید عزیز (روحی له الفدا و سلام الله علیه)، آن أخ السدید مولایمان، در آن لحظات آخر عمرشان به آقا زاده شان بیان کردند: عزیزم! می خواهی چه شوی؟ گفت: آقا جان! می خواهم مثل شما شوم. گفت: عجب! هیچ نمیشوی. من خواستم امام زمان شوم - یعنی مقام، نه این که نعوذ بالله ادعای امام زمانی کند - این شدم، تو اگر بخواهی من بشوی، هیچ میشوی.

انسان بگوید: خدا! می خواهم فقط برای خودت باشم، دنیا را نمی خواهم. این که مولی الموالی (علیه الصلوة و السلام) فرمودند: «عَرِّی عَرِّی» یعنی همین که در دنیا هستی، از دنیا هم استفاده میکنی، اما برای آخرت، «الدنيا مزرعة الآخرة».

بگو: ای خدا! دنیا را نمی خواهم، خودت را می خواهم. آنوقت ببین انسان چه آرامشی می گیرد. دیگر ببین عملش چه میشود. اصلاً بدش می آید دیگران بدانند.

درس اخلاق

آیت الله انصاری همدانی (رحمت الله علیه):

فرزند آیت الله انصاری همدانی "احمد انصاری" در خاطره ای از پدرش می گوید: یک بار یکی از آشنایان از تهران خدمت آقای انصاری رسید و برای دستورالعمل گرفتن اصرار کرد. ایشان فرمود: تو با خانمت بدرفتاری می کنی، برو اخلاقت رو درست کن! حجاب تو این است. آن شخص می گفت: وقتی برگشتم همسرم خیلی با ناراحتی به من گفت: باز رفتی مسافرت؟! خم شدم دستش رو بوسیدم، تعجب کرد و پرسید این کار رو کی به تو یاد داده؟ گفتم همان آقای که می گویی چرا رفتی پیشش. ایشان هم به آقای انصاری علاقمند می شود و در سفر بعدی با هم به همدان می آیند و خدمت آقا می رسند.



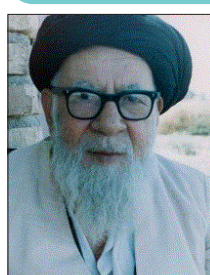
شیعه نیز

آیت الله کشمیری (رحمت الله علیه):

هر مشکلی که برایم در نجف پیش می آمد به صحن امیرالمؤمنین (علیه السلام) می رفتم و هفت بار (نادعلی) می خواندم و مشکلاتم حل می شد. معاونت تهذیب حوزه های علمی/اخبار



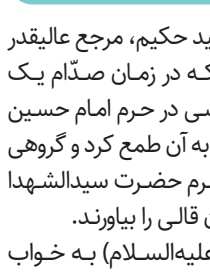
آیت الله بهاء الدینی (رحمت الله علیه):



«ما می دانیم هر چه را حضرت فاطمه (علیها السلام) امضا کند از نظر پیامبر و ائمه (علیهم السلام)، امضا شده است که هیچ حرفی روی آن نیست».

تبیان

آیت الله حاج سید سعید حکیم (ره):



آیت الله حاج سید سعید حکیم، مرجع عالیقدر شیعه نقل فرمودند که در زمان صدام یک تخته قالی بسیار نفیسی در حرم امام حسین علیه السلام بود. صدام به آن طمع کرد و گروهی را مأمور کرد که به حرم حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) رفته و آن قالی را بیاورند.

شب امام حسین (علیه السلام) به خواب کلیددار آمد و امر فرمود که آن قالی را به حرم حضرت ابوالفضل (علیه السلام) منتقل نماید و ایشان انجام داد.

هنگامی که مأمورین صدام آمدند و آن قالی را خواستند، کلیددار گفت: آن قالی در حرم حضرت ابوالفضل (علیه السلام) است.

مأموران به حرم قمر منیر بنی هاشم رفتند و گفتند: برخیز و قالی را جمع کن و به ما بده. کلیددار گفت: من جرأت نمی کنم، هر کس جرأت دارد، بیاید و جمع کند. یکی از مأمورین که خیلی شجاع و تنومند بود، با نخوت و غرور جلو رفت و قالی را لوله کرد و از زمین بلند کرد و بر دوش خود نهاد.

یک مرتبه از زمین کنده شد، در هوا قطعه قطعه شده روی زمین افتاد. مأمورین از خدام حرم تعهد گرفتند که هرگز نباید این خبر به کسی نقل شود و لذا تا صدام زنده بود، این خبر منتشر نشد، پس از هلاکت صدام توسط خدام، این خبر انتشار یافت.

جرعه ای از کرامات امام حسین علیه السلام، نویسنده: علی اکبر مهدی پور

